

جمعه 2 اسفند 1398-26 جمادی الثاني 1441-21 فوریه 2020

شهادت "سید محمدعلی رحیمی" مسؤول خانه فرهنگ ایران در پاکستان (1375 ش)



شهادت "سید محمدعلی رحیمی" مسؤول خانه فرهنگ ایران در پاکستان (1375 ش)، پس از آنکه در آذرماه 1369 صادق گنجی مسؤول خانه فرهنگ ایران در لاهور پاکستان به دست گروهی تروریستی سپاه صحابه پاکستان به شهادت رسید، سید محمدعلی رحیمی از اوایل سال 1374، به این سمت منصوب و مشغول فعالیت شد. وی قبل از مأموریت خود در پاکستان، به مدت ده سال در دهلی نو به فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی اشتغال داشت. تا اینکه در این روز، آدم‌کشان عضو گروه صحابه با حمله به سید محمدعلی رحیمی، وی را به شهادت رساندند، در پی شهادت مسؤول خانه فرهنگ ایران در لاهور، دولت ایران ضمن اعتراض به دولت پاکستان، خواستار مجازات عاملان این جنایت شد. پیکر شهید رحیمی پس از تشییع مردمی، در بهشت زهراي تهران مدفون گردید.

رحلت فقه و محقق بزرگ آیت الله العظمی کاشانی (1300 ش) در کودکی پدر را از دست میرزا حبیب الله شریف کاشانی در حدود سال 1225 ش (1262 ق) در کاشان به دنیا آمد. در کودکی پدر را از دست داد و زیر نظر آیت الله سیدحسین کاشانی به تحصیل علوم حوزوی همت گماشت. در پرتو این تلاش پیگیر، در 16 سالگی گواهی نقل روایت و در 18 سالگی گواهی اجتهاد دریافت نمود. میرزا حبیب الله در سال‌های بعد به تهران رفت و در محضر درس شیخ محمد اصفهانی، ملاهادی مدرس تهرانی، ملاعبدالهادی تهرانی و حاج میرزا ابوالقاسم تهرانی کلانتر استفاده وافر برد. در 19 سالگی جهت حضور در درس شیخ مرتضی انصاری راهی عراق شد، اما ورود او به کربلا با رحلت آن استاد یگانه همزمان گردید. پس از چند سال توقف در عتبات، به کاشان بازگشت و به تالیف، تدوین و تکمیل تحقیقات خود پرداخت. او از اغلب استادان خویش صاحب اجازه بود و در علوم روز تبحر داشت. میرزا کاشانی در کنار مرجعیت، به ارشاد و هدایت مردم مشغول بود. از ویژگی‌های برجسته میرزا کاشانی، تنوع تالیفات و فزونی آنهاست. آثار وی را تا سیصد جلد کتاب و رساله نوشته‌اند، که حدود 200 جلد آنها شناخته شده‌اند. مثنوی المنافع فی شرح المختصر النافع به عنوان دایرةالمعارف فقه شیعه، منظومه فی الفقه و ده‌ها اثر دیگر از اوست. وی سرانجام در 2 اسفند 1300 ش (23 جمادی الثاني 1340 ق) در 78 سالگی رحلت نمود و در کاشان به خاک سپرده شد.

عملیات کوهک والفجر 6 در جنوب دهستان تهسپ سباه (1362 ش)، عملیات والفجر 6 در دوم اسفند 1362 با رمز مقدس یا زهرا در منطقه عملیاتی چّزابه با هدف انهدام نیروهای دشمن و گمراه کردن آنها از عملیات آتی، انجام گرفت. قوای اسلام با عبور از رودخانه چیلان و دهلران، دو ارتفاع مهم مشرف به مناطق مسکونی عراق را آزاد کرده و بزرگراه العماره - بغداد را در تیررس خود گرفتند. در این‌ها، دشمن برای باز پس‌گیری مناطق از کف‌داده، اقدام به پاتک نمود که با چند ضد پاتک از سوی قوای اسلام مواجه گردید و در اقدام خود ناکام ماند. در این عملیات، دشمن با به‌جای گذاشتن صدها کشته و زخمی مجبور به عقب‌نشینی گردید. عملیات والفجر 6، در نهایت با شروع عملیات خیبر در 3 اسفند 1362، پایان پذیرفت.

شهادت حضرت امام علی النقی (ع) به روایتی (254 ق)، امام هادی (ع) که در زمره امامان شیعه و از خاندان رسالت است، نیز از ویژگی‌های دانشی گسترده و جامع برخوردار است، طوری که سمبل‌های دانش و فرهنگ وی، عقول را حیران و اندیشه‌ها را به اعجاب واداشته است. امام دهم همچون پدران و اجداد بزرگوار خود در علم و دانش سرآمد روزگار بود. درخشش او در مدت حیاتش احترامی شگفت در قلوب همگان ایجاد کرده بود. نامه آن حضرت در رد پیروان معتقد به تفویض و جبر و اثبات عدل و حد مابین جبر و تفویض، از فرازهای شگفت آور دوره امامت، امام هادی محسوب می‌شود و بسیار مورد تعمق و توجه می‌باشد. امام هادی (ع) در این نامه، نظریه پیروان هر دو عقیده را با منطقی‌ترین اصول مردود اعلام کرده و اسراری از علوم و حقایق آن را پاسخ فرموده است. با توجه به اینکه خداوند دارای عدل و انصاف و حکمت بالغه است، پس اوست که می‌تواند هرکس را بخواهد از میان بندگان خود برای ارسال پیامش و تبلیغ رسالتش و اتمام حجت بر بنده هایش برگزیند. گوشه‌ای دیگر از دریای بیکران دانش امام هادی (ع) در تاریخ خطیب بغدادی تجلی دارد. او به شهادت خود دانش امام را متذکر شده و در مقام اثبات آن می‌گوید: روزی یحیی بن اکثم در مجلس واثق خلیفه عباسی که جمعی از علماء و فقها حضور داشتند، سؤال کرد که چه کسی سر حضرت آدم (ع) را هنگامی که حج به جا آورد، تراشید؟ تمام حضار در پاسخ آن عاجز ماندند، واثق گفت: هم اکنون من کسی که جواب این سؤال را بدهد حاضر می‌کنم، سپس شخصی را بدینال حضرت هادی (ع) فرستاد و وی را به دربار خلیفه دعوت کرد. امام نیز دعوت را پذیرفت و برای اظهار و بیان حقیقت به دربار واثق رفت. خلیفه پرسید: ای ابوالحسن به ما بگو چه کسی سر حضرت آدم را هنگام حج تراشید؟ امام فرمود: ای واثق ترا به خدا سوگند می‌دهم که ما را از بیان و جواب آن معاف کنی، خلیفه گفت: ترا سوگند می‌دهم که جواب را بفرمایی! امام فرمود: اکنون که قبول نمی‌کنی، پس می‌گویم. پدرم مرا از جدم خبر داد و جدم از جدش که رسول خدا باشد، اطلاع داد که

مدگ "فدریک بانتینگ" پزشک کانادایی و کاشف انسولین (۱۹۴۱م) (۱۰۰: 4 نوامبر) فردریک بانتینگ پزشک کانادایی و کاشف انسولین در چنین روزی از سال ۱۸۹۱ میلادی متولد شد. فردریک گرانت بانتینگ، دانشمند کانادایی در تاریخ چهارم نوامبر سال ۱۸۹۱ میلادی در کانادا متولد گردید. وی تحصیلات خود را در رشته پزشکی دانشگاه تورنتو ادامه داد تا این سال که در سال ۱۹۲۲م موفق به اخذ دکترای طب شد. فردریک از سن ۲۹ سالگی تحت عنوان محقق در دانشگاه به کار پرداخت و به مدت ۲۰ سال تا سال ۱۹۴۱م استاد دانشگاه تورنتو بود. بانتینگ مدتی نیز در کشورهای انگلستان و فرانسه، به تحقیق و مطالعه پرداخت. در ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۲م آزمایش‌ها و تلاش‌های وی به نتیجه رسید و به همراه دو تن از همکارانش موفق به جداسازی هورمون انسولین شد. این مسئله، انقلابی در درمان بیماری قند به وجود آورد و باعث شهرت این پزشک ۳۰ ساله گردید. پاسخ مثبت آزمایشات بانتینگ بر روی حیوانات، به استفاده از انسولین در بیماران قندی از سال ۱۹۲۳م منجر گردید که به نجات جان میلیون‌ها انسان منتهی گردید. بانتینگ در همین سال به پاس این اکتشاف علمی برنده جایزه نوبل پزشکی شد. غده فوق کلیوی و سرطان، زمینه‌های دیگر مطالعات وی بود. دکتر بانتینگ علاوه بر نوبل، جوایز متعدد دیگری از جمله مدال ستاره طلایی از دانشگاه تورنتو، مدال انجمن پادشاهی کانادا، عنوان شوالیه جایزه انجمن فیزیولوژیست‌های آمریکا و... را به دست آورد. وی سرانجام در ۲۱ فوریه ۱۹۴۱م در سن پنجاه سالگی درگذشت. انسولین، هورمونی است که از لوزالمعده مه‌رله‌داران ترشح می‌شود و به خون می‌ریزد. این پروتئین بر مقدار قند خون نظارت داشته و مقدارش را ثابت نگاه می‌دارد. بالا رفتن مقدار قند خون، عامل محرک ترشح انسولین است. درواقع انسولین، هورمونی است که ذخیره و سوخت‌وساز مواد قندی بدن را تنظیم می‌کند. کمبود این هورمون در بدن، موجب بروز بیماری دیابت می‌شود. انسولین برای نخستین بار در ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۱م به وسیله فردریک بانتینگ محقق کانادایی و دو همکارش کشف گردید. وی به همین دلیل، موفق به اخذ جایزه نوبل پزشکی ۱۹۲۳م شد. فرمود: برای تراشیدن سر آدم جبرئیل مأمور شد یاقوتی از بهشت آورد و به سر آدم کشید تا موهای سرش بریزد. در مورد جاذبه اجتماعی و نفوذ سیاسی امام هادی (ع) فقط می‌توان همین را گفت که یکی از تجلیات و تشعشعات پرشکوه خداوند و تابش منبع فیاض نور حق در وجود امام هادی (ع) متجلی و منعکس شده و از وجود حضرت نیز مانند آینه‌ای که انوار گوناگون را در خود انعکاس می‌دهد، ساطع بوده است. کسی را در عصر پیشوای دهم، توان نگاهی ممتد و حتی لحظه‌ای کوتاه به چهره او نبود. به محض نظر به رخسار پرفروغش آثار ضعف و سستی و ترس بر قلب‌ها سایه می‌افکند. در کتاب‌های تاریخی آمده است که حضور امام در هر مجلسی مورد تجلیل و احترام عمیق بود و خواسته و ناخواسته اطرافیان را تحت تأثیر و نفوذ قرار می‌داد و همنشینان وی همواره آرزوی مجالست و مراودت او را در سر داشتند. با آنکه متوکل بارها در صدد بود تا به بهانه قیام مسلحانه امام دهم را از میان بردارد، ولی هیچ‌گاه به این بهانه دست نیافت. با این حال، نتوانست حیات شریف آن حضرت را که مانع خودکامگی‌های او به عنوان محور تفکر اسلامی بود و همچون مرکزی که شیعیان بر گرد آن پروانه‌وار می‌چرخیدند، تحمل کند، لذا ایشان را به شهادت رساند. امام دهم در حالی که هشت سال و پنج ماه از عمر شریفشان می‌گذشت، به مقام امامت نایل شدند و پس از سی و سه سال به شهادت رسیدند و در سامرا دفن شدند (صلوات الله وسلامه علیه وعلی آبائه وانبائ الطاهرين).